

عنوان پژوهش

کالبدشکافی ابعاد پیوند بین نظام مالیاتی و نظام تأمین اجتماعی

بیان و تشریح مسئله

طراحی نظام‌های تأمین اجتماعی بر مبنای چند پرسش اصلی انجام می‌گیرد. پیش از طراحی نظام پاسخ به پرسش‌هایی از قبیل اینکه جامعه هدفی این نظام کیست؟ چه خدماتی به این جامعه ارائه می‌دهد؟ زمان‌بندی ارائه این خدمات چگونه است؟ و شرایط بهره‌مند شدن از این خدمات چیست؟ باید مشخص باشد. زمانی که چارچوب خدمات و جامعه هدف نظام تأمین اجتماعی مشخص شد، مسئله بعدی چگونگی تأمین مالی مخارج است. در کشورهایی که متکی به درآمدهای منابع طبیعی مانند نفت نیستند، محل تأمین مخارج، منابع عمومی است و مهم‌ترین منبع عمومی نیز مالیات است. در اینجا اما یک نکته اصلی باید مورد توجه قرار گیرد. نظام تأمین اجتماعی یک نظام سه بعدی است و استراتژی آن در سه حوزه تعریف می‌شود: امور بیمه‌ای، امور حمایتی و امور امدادی. در امور حمایتی جامعه هدف این سیاست‌ها هستند و دولت از منابعی که از عموم جامعه به‌دست آمده است، امکاناتی را برای این گروه‌ها فراهم می‌کند. اما زمانی که موضوع حمایت بیمه‌ای مطرح می‌شود، اما و اگرهایی به میان می‌آید. افرادی تحت پوشش نظام بازنشستگی قرار می‌گیرند که خود توانایی کار دارند. آیا منطقی است که این افراد با استفاده از منابع عمومی تحت پوشش قرار گیرند؟ در این صورت کدام منابع مالیاتی به چه میزان و برای کدام بخش از نظام تأمین اجتماعی باید استفاده شوند؟ این‌ها پرسش‌هایی اساسی است که برای دستیابی به یک نظام تأمین اجتماعی کارآمد باید به آن پاسخ گفت. در این زمینه استفاده از تجارب کشورهای مختلف می‌تواند مفید باشد.

ارتباط نظام رفاه و تأمین اجتماعی با نظام مالیاتی تنها از منظر تأمین مالی نیست بلکه از آن به عنوان مشوق فعالیت اقتصادی نیز استفاده می‌شود. در کانادا بین این دو نظام یک رابطه دوطرفه برقرار شده است که در نتیجه آن فرد در صورتی که فعالیت اقتصادی داشته باشد هم خدمات تأمین اجتماعی بهتری به او تعلق می‌گیرد و هم از مشوق‌های مالیاتی بهره‌مند می‌شود. در این وضعیت مردم بیشتری تمایل به کار خواهند داشت که در نتیجه پایه مالیاتی گسترده‌تر می‌شود و درآمد مالیاتی و به دنبال آن منابع تأمین اجتماعی افزایش پیدا می‌کند. بر این مبنای پیوند بین نظام مالیاتی و نظام تأمین اجتماعی می‌تواند منافع اجتماعی و اقتصادی قابل توجهی به دنبال داشته باشد. درک چگونگی این پیوند و امکان‌سنجی اجرای آن در ایران موضوع این پژوهش است.

ضرورت انجام پژوهش

پایه‌گذاری منابع درآمدی برای نظام رفاه و تأمین اجتماعی یک الزام جدی برای کشور ماست. از یک‌طرف درآمدهای حاصل از نفت در بودجه رو به کاهش است و از طرف دیگر بحران نقدینگی در صندوق‌های بازنشستگی هر روز بیشتر و بزرگ‌تر می‌شود. در حال حاضر صندوق بازنشستگی کشوری و نیروهای مسلح برای تأمین مالی حقوق بازنشستگان تحت پوشش خود به دولت وابسته هستند و صندوق فولاد ورشکسته شده است. این آینده‌ای است که در صورت ادامه روند فعلی برای دیگر صندوق‌ها نیز قابل تصور است. در این وضعیت امکان‌سنجی استفاده از درآمدهای مالیاتی برای تأمین مالی نظام رفاه و تأمین اجتماعی ضروری است. برای این منظور استفاده از تجارب کشورهای توسعه‌یافته که توانسته‌اند این پیوند را برقرار کنند بسیار مفید خواهد بود. با استفاده از این تجارب، شناخت راهکارها و ارزیابی نتایج آنها می‌توان نقشه راهی برای آینده صندوق‌های بازنشستگی در کشور ترسیم کرد.

شرح خدمات

- مرور تجربه کشورهای که پیوند بین نظام مالیاتی و نظام تأمین اجتماعی را برقرار کرده‌اند (مانند: کانادا، نروژ، گرجستان، انگلستان و آلمان)
- بررسی راهکارهای در پیش گرفته شده برای ایجاد این پیوند و نتایج آن (از دو منظر تأمین مالی نظام رفاه و تأمین اجتماعی و گسترش پایه مالیاتی)
- جمع‌بندی تجارب و امکان‌سنجی اجرای آن در ایران